

جشن آفریجگان اصفهان

قسمت سوم

میدانیم که ارمنیان یکی از کهنه‌ترین تقویمها را با جشن های دینی آن داشته و دارند. ارمنیان قدیم همواره آغاز سالشان از دهه اول ماه (اوت) در تابستان بوده است. جشن های دینی آنها که پیش از آئین مسیح در سال ثابت دینی آنها و در موسم و زمان معین و ثابت گرفته می‌شد، پس از مسیحیت نیز در همان موسم و همان زمان نگهداری شد. منتهی نام آنها را برگردانده به آن ها صورت ظاهر و لقب مسیحی دادند. از جمله جشن های آنها (اولیچ = AVELIC) یا پنجه دزدیده است که آنها همیشه در تابستان در هفته اول ماه اوت برگزار میکردند. این درست همانند پنجه قدیم گیلانیها است. چون در پنجه دزدیده آب پاشی می‌شد، اکنون هم ارمنیان همین آئین را در همین زمان بکار می‌بندند.

نکته شایان توجه در این اشاره بگاشماری ارمنیان، لغت (اولیچ = Avelic) است که برای آئین « پنجه دزدیده » یا پنج روز فروردگان بکار رفته است. « اولیچ » به گمان همان لغت « آبریز » است که به معنی: « آبریزان » و « آبریزگان » باشد. در لغت « اولیچ » دو جزء می‌توان دید: (او = AV) به معنی: « آب » و « او » و « او » که در فارسی و لغات محلی بهمین صورت و معنی بکار رفته و میرود. « لیچ » صورت کهنه‌ای از « ریز » است. زیرا حرف « ر » و « ل » در ایرانی زیاد بهم بدل می‌شوند. و تبدیل حروف « چ » و « دج » و « ز » بهم در پهلوی و فارسی نمونه زیاد دارد... بدینسان از روی گاشماری کهن دیلمی که گاشماری پیش از زردشتی است بسادگی مشکل زمان جشن « آفریجگان » را آسان کردیم و از تقویم کهن ارمنه از این رو گواهی آوردیم که اصفهان یکی از شهرهای ارمنی‌نشین ایران بوده « اولیچ » باستانی ارمنیان لغتی از همان « آوریز » یا « آبریزگان » و « آفریجگان اصفهان » است.

۶- آیا بنیاد و آغاز « آفریجگان » از زمان فیروز بوده یا پیشینه‌ای

بسیار کهن تر داشته است؟

بنیاد این جشن بسیار کهن تر از آن بوده که از آن زمان فیروز ساسانی گمان شود. چنین پیداست که برخی از ساسانیان میخواستند که گذشته بسیار دراز و دیرپای يك رشته از آداب و رسوم کهن و تاریخ ها و پیشینه بنیان قدیم شهرهای معروف نادیده گرفته شده آغاز بنیانگذاری آنها را از زمان آنها بدانند. برای این گفته گواهیائی در دست است. که اینجا مجال گفتگو درباره آن نیست. این جشن « آبریزگان » یا « آب » و « تیرگان » هم که در اصل ستایش و نیایش « آب » بعنوان مهمترین و بزرگترین عنصر جهان هستی و مادر و

شالوده آفرینش و زندگی و باروری بوده و سابقه ستایش و گرامی‌داشت آن در ایران از چند هزار سال پیش از مسیح هم بالا می‌رود یکی از همان موارد است. برخی از ایزدان بسیار قدیم ایرانی که پروردگاران آب و آب آفرینی بوده‌اند از قدیمترین روزگاران در ایران ستایش می‌شدند. یکی از آن ایزدان «تیر» بوده است که سابقه پرستش آن به ادوار کهن هند و ایرانی می‌رسد. درباره اهمیت آب در فلسفه آفرینش و کهنگی پرستش آن در ایران و ایزدان عمده‌ای که مظهر و تجسم آب و آفرینش و آبادانی و باروری بوده‌اند. اینجانب، در پیوست دوم کتاب «دیوار شهریاران» تألیف آقای احمد اقتداری، مقاله مفصلی نوشته در آنجا نقش آب و «تیر» و «ناهد» و ایزدان دیگر ایران قدیم را نشان داده‌ام که برای درک سابقه و اهمیت «تیر» که این «تیرگان» جشن بزرگداشت آن بوده باید بآن کتاب مراجعه کرد. درباره حساب‌های سال و ماه و تقویمهای گوناگون و جشن‌های نامدار قدیم مانند «تیرگان» و روزهای «فروردگان» یعنی: پنج‌روز پنجه و چند جشن دیگر در کتاب «گاهشماري ديلمی» شرح کافی داده‌ام که این کتاب هنوز بچاپ نرسیده است.

بنابراین در اینجا برای نشان‌دادن این حقیقت که آئین «آبریزگان» یا «آب‌تیرگان» از زمان فیروز ساسانی پایه‌گذاری نشده بسیار قدیمتر از آن است تنها برای نمونه از چند کتاب گواہ می‌آورم:

در کتاب «تلمود» که پس از «تورات» معتبرترین و کهنه‌ترین مأخذ رسمی یهود است از جشنی بنام «تیریسکی TIRE - GASKI» نام برده شده و گفته شده که این جشن جشن مادها و مردم سرزمین «مدی» است و از اعیاد مشرکین است و یهود نباید آنها را گرامی بدانند. کتاب «تلمود» هم «تدوینش» را میان قرن سوم تا پنجم پس از مسیح شمرده‌اند ولی اصل روایات آن قدیم است. (۱)

بیرونی در «آثارالباقیه» و گردیزی در زین‌الخبار نوشته‌اند که تیرگان جشنی است که ایرانیان از زمان منوچهر پادشاه داستانی، برپا کرده‌اند. زیرا منوچهر و افراسیاب پس از سالها جنگ صلح کردند که کشور ایران باندازه و پهنای پرتاب يك تیر باشد. آرش شواتیر در روز تیر از ماه تیر یعنی در تیرگان تیر معروف خود را پرتاب کرد که تا اقصی نقاط ایران در خراسان قدیم یعنی تا فرغانه پرتاب شد و آنهمه سرزمین بهره ایرانیان گردید. و چنین روزی را از آن زمان عید گرفته گرامی شمرده‌اند. داستان آرش در تیریشتم اوستاهم آمده. مؤلف «تاریخ قم» که در ۳۷۸ هجری آن کتاب را نوشته و بیرونی هر دو نوشته‌اند که شست و شو در آب و گرامی‌داشت آبها در «آبریزگان» یا «تیرگان» از این رو نیز بوده که کیخسرو چون از جنگ افراسیاب بازگشت در پیرامون ساه و قم در کوهی بر سر آبی رسید. فرشته یا بروایتی دیگر دیوی دید بیهوش شد. کسانش رسیده از آن آب بروی پاشیدند و او را بیهوش آوردند. کیخسرو و کسانش بیهوش آمدند و زندگی دوباره را از آن آب شمرده آنروز فرخنده دانسته. کیخسرو گفت «سودیمند باد این آب افر» (۲)

۱- برای «تیریسکی» که در تلمود آمده به کتاب «گاهشماري قدیم و کتاب»

۲- افر = یعنی: ابر - بر .

همه جهان ، یعنی : این آب بر همه جهان فرخنده و سودمند باد. و آن روز که روز تیر از ماه تیر بود آغاز می شد تا همه ساله چنان روزی را گرامی داشته جشن بگیرند . « و رسم غسل کردن و شستشوی باین آب و دیگر آبهای چشمه ها باقی و پایدار ماند از راتبرک. اهل آمل در این روز بدریای خزر می روند و همه روز را آب بازی می کنند... » (۱)
 بنابراین پایه و آغاز این آئین که در اصل سنایش و بزرگداشت عنصر « آب » و « ایزد » یا « ایزدان » آن است بسیار کهنه و پیشینه دارتر از زمان فیروز ساسانی است.

۸- چرا « آفریجگان » را ویژه اصفهان می دانسته اند ؟

با این که این جشن همه ایرانیان بوده و در جاهای دیگر ایران هم گرفته میشده ، آنرا « آفریجگان اصفهان » می شناخته اند. علت این نامگذاری را در جایی ندیدم. بگمانم برای آن علت های زیر قابل قبول باشند :

۱- بجز اهواز ، اصفهان تنها شهر بزرگ و کهن ایران است که رودی بزرگ از میانه اش می گذرد و در آبادانی آن اثر بی چون و چرائی دارد. چون شرکت همه مردم در « آب پاشان » با استفاده از زاینده رود بآن شکوهی میداده که در جای دیگر چنان موقعیتی نبوده ، از این رو آوازه آن همه جا را پر کرده بوده است.

۲- « آب پاشان » و « آبریزان » یا « تیرگان » آئینی برای بزرگداشت ایزد « تیر » بوده که ایزد آب آفرین شمرده می شد. در اوستا ، در « تیر یشت » ایزد « تیر » ایزد باران و آب آفرینی است .

در کتاب « محاسن اصفهان » آمده که فیروز ساسانی به « آذر شاپوران » فرمان داد که در یکصد و هفتاد سال پیش از اسلام ، در « جی » که نام دیگری از اصفهان بوده ، دژی ساخت که چهار دروازه داشت : « یکی دروازه « جور » نام کرد . برابر میدان بازار - و دوم دروازه « ماه » که دروازه « اسفیش » میگویند - سیوم دروازه « تیر » که « تیر ۵ » می خوانند . و چهارم دروازه « جوش » که معروفست به دروازه جهودان .

بنابراین « تیر » آب آفرین از همان روزگار فیروز ساسانی در اصفهان جای بزرگی داشته است. و « تیرگان » که در برخی از تقویمها با « آفریجگان » یکی می شده ، از قدیم در اصفهان جای خاص داشته است .

۳- اصفهان در زمان ساسانیان هم شهری بوده که گروه بزرگی از یهودیان در آن نشیمن داشتند. چنانکه گاهی قسمت بزرگی از شهر کوی یهودیان بوده است.

نگفته پیداست در چنین شهری میان « گبران » و « یهودان » برخوردها فراوان بوده است. چنانکه بنا بنوشته « حمزه اصفهانی » و « کریس تن سن » (۲) فیروز ساسانی ، که زردشتیان او را گرامی می داشتند ، چون شنید که یهودیان اصفهان دوتن از « هیربدان » زردشتی را کشته اند دستور کشت و کشتار و آزار یهودیان داد .

۱- آثار الباقیه - ترجمه س ۲۴۹ - ۲۵۰ تاریخ قم چاپ سید جلال الدین طهرانی

ص ۸۲۰-۸۱ ۲- تاریخ پیمبران و شاهان ص ۵۴ - ایران در زمان ساسانیان ص ۲۰۲ .

بویژه در اصفهان گروه زیادی از یهودیان کشته شده و زنان و فرزندانشان در آتشکده به بردگی و بیکاری گمارده شدند. روشن است که در شهری مانند اصفهان، زردشتیان برای بزرگداشت و نگاهداشت و برگذاری با شکوه آمین و آبریزگان، که آنرا از « فیروز » میدانسته‌اند باید تمصب بیشتری می‌داشتند.

۴- علت دیگری که بخاطرم خطور می‌کند این است که فرمانروایی شهریاران دیلمی در اصفهان، که همه میدانند در زنده کردن و بکار بستن آداب و رسوم باستان کوشا بوده‌اند، شاید سبب شده باشد که « آفریجگان » رنگ و روی تازه‌تر و بیشتری در اصفهان گرفته، بلندآوازه و بنام اصفهان شناخته شده باشد...

این بود علت‌هایی که بگمانم سبب شدند تا « آفریجگان » بنام « آفریجگان اصفهان » نامیده شد.

چنین بود یادآوری کوتاهی دربارهٔ این جشن کهن ایرانی .



کمال اجتماعی جندقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رزود گذرانانی

چو بوی گل به مشام دلم دمیدی و رفتی
چو شبمنی که نشیند سحر به دامن لاله
چو آهوپی که ببیند به بیشه نقش خیالی
چنان کبوتر وحشی ترا به جهد گرفتن
به لحظه‌ای که ندادی مجال نام تو بردن
هنوز شمع وجودم به رهگذار تو لرزد
به چشم تو که منم اوستاد ناز کشیدن
چو عطر خاطره بر خاطرم رسیدی و رفتی
به دامن دل من لختی آرمیدی و رفتی
برای لحظه‌ای استادی و رمیدی و رفتی
بروی سینه من لحظه‌ای تپیدی و رفتی
مرا چو قصبه پرغصه‌ای شنیدی و رفتی
که با شتاب نسیم سحر وزیدی و رفتی
چه زود دامن ناز از کنم کشیدی و رفتی